

تصویر زنان در ادبیات کودک هند

از الهه تا نخست وزیر

مانوراما یافا

مترجم: معصومه انصاریان

زنی ستودنی بود که مطیع، وفادار و خوش خلق باشد و به آداب و رسوم و مهمان‌ها احترام بگذارد. زن وظیفه داشت همسرش را چون خدا بپرستد؛ حتی اگر با او بدرفتاری کند! زن مجبور بود پسرانی شجاع به دنیا بیاورد، مراسم و آداب اجتماعی را گرمی بدارد و امور خانه را به خوبی اداره کند. بر اساس آیین مانوی، سرپرستی و حمایت زن در کودکی، با پدر بود. وقتی به سن جوانی می‌رسید، همسرش سرپرست او بود. اگر همسرش می‌مرد، پسرش قیم و سرپرست او می‌شد. در این آیین، زن هرگز آزاد نبود.

قصه‌گویان کهن، تحت تاثیر آداب و سنت‌های اجتماع، زنان را فقط در نقش مادر، خواهر و همسر معرفی می‌کردند. وقتی زن از این جایگاه ایده‌آل در قصه‌ها تنزل پیدا می‌کرد، تصویر او منفی می‌شد و در نقش جادوگر، نامادری و... حضور می‌یافت. در قصه‌ها، زنان زیبا معمولاً جادوگر بودند و یا در نقش‌های جنسی ظاهر می‌شدند و مردان را از رسیدن به اهدافشان باز می‌داشتند.

در یک داستان اسطوره‌ای، یک روسپی اشرافی، به نام ماناکا (Menaka)، در قصر لرد ایندرا (Lord Indra) زندگی می‌کند. او مامور می‌شود مرد فرزانه، «ویش وامیترا» (Wishwamitra) را از مکاشفه و آیین مذهبی باز دارد و چنین می‌کند. کمی بعد، ماناکا دختری به دنیا می‌آورد. او دخترش را در جنگل رها می‌کند. ویش وامیترا نیز از پناه دادن به بچه خودداری می‌کند.

«کانای» فرزانه، بچه را به فرزند خواندگی خود می‌پذیرد و او را شاکانتالا (Shakuntala) می‌نامد.

شخصیت‌های زنانه قصه (قابل‌های کلیله و دمنه نیز به نقش‌های سنتی مادر، همسر و دختر محدود شده‌اند. در قابل‌ها، مرد شخصیت مرکزی است. او کارهای مهمی انجام می‌دهد و از حوادث تلخ جلوگیری می‌کند. در «میمون و کروکدیل»، از مهم‌ترین قصه‌هایی که بارها ترجمه شده است، کروکدیل، دوستش میمون را به خانه‌اش دعوت می‌کند تا او را بخورد. میمون دعوت کروکدیل را می‌پذیرد و پشت او سوار می‌شود. کروکدیل، هنگام عبور از رودخانه، اعتراف می‌کند که زنش می‌خواهد قلب میمون را بخورد. میمون باهوش می‌گوید، قلبش

ادبیات مدرن هندوستان که برای کودکان انتشار می‌یابد، از اسطوره‌ها، افسانه‌های حماسی و قصه‌های عامیانه و متون کلاسیک این سرزمین سرچشمه گرفته است. مردم هندوستان، از هزاران سال پیش، در جشن‌های مذهبی و محفل‌های خانوادگی قصه‌گویی می‌کردند. جوانان و بزرگسالان، از قصه‌ها لذت می‌بردند و آن‌ها را سینه به سینه نقل می‌کردند.

از قدیمی‌ترین آن‌ها، مجموعه قصه‌های کلیله و دمنه (Panchatantra) است که دست کم ۵۰۰۰ سال قدمت دارد. در ادبیات کودکان هندوستان، دختران و زنان، در نقش‌های مختلف و متنوع مثل الهه، ساحره، زنان فقیر، آزادخواه، جنگجو و مستقل حضور دارند.

ادبیات بومی

در ادبیات شفاهی هندوستان، تصاویر زنان، موقعیت‌های متفاوت و گاه متضاد آن‌ها را در جامعه نشان می‌دهد. در افسانه‌ها، زنان در نقش اشراف، اسطوره‌ها، الهه‌ها، زنان روحانی، زنان قدرتمند و... حضور دارند. در افسانه‌های هندی، «درجا» (Durga) و «کالی» (Kali)، نام الهه مادر مقتدر است که شایسته ستایش است.

سعادت خانواده، به عهده «لاک شمی» (Lakshmi)، الهه شادی است. «ساراسوتی» (Saraswati)، الهه‌ای است که یادگیری را در خانواده هدایت می‌کند. در ادبیات قدیمی هندوستان و در جامعه باستانی هند، «مادر» بسیار محترم بوده است، فرزندان اغلب نه تنها به اسم پدرانشان که به اسم مادرانشان نیز شناخته می‌شدند. به همین دلیل، زن در ادبیات کهن، جایگاهی روحانی پیدا کرد، سزاوار پرستش شد و در جامعه، نفوذ زیادی داشته است.

در آیین مانوی، درباره وظیفه و موقعیت اجتماعی زن، سخن بسیار رفته است. در جامعه پدرسالار هندوستان که به دست مهاجران آریایی بنا شد، قوانین زندگی خانوادگی و ازدواج، با نگاهی مردانه شکل گرفت. بر اساس قوانین مانوی،

را پشت درختی جا گذاشته است و با زیرکی، جان خودش را نجات می‌دهد. در این قصه، زن کروکدیل، در برابر محبت‌های میمون، موجودی شیرین و بی‌چشم و رو تصویر می‌شود و کروکدیل معصوم، صادق، ساده لوح و قربانی طمع و پستی زنش. در قابل‌ها، دختر بچه‌ها به ندرت شخصیت مرکزی قصه هستند. شاید به این دلیل که هویت دختر، وقتی به رسمیت شناخته می‌شود که به سن ازدواج رسیده باشد. علاوه بر این، دخترها در سنین پایین ازدواج می‌کنند، خیلی کم درس می‌خوانند و یا اصلاً نمی‌خوانند. در حالی که پسرها به مدرسه می‌روند و درس می‌خوانند، دخترها از مادران‌شان خانه‌داری می‌آموزند.

در هند باستان، زنان جوان، از آزادی نسبی اجتماعی برخوردار بودند. آن‌ها می‌توانستند گردش برون، لباس‌های رنگارنگ بپوشند و موهای‌شان را با گل‌های خوشبو بیاریند.

طرفی که هیچ‌کس حتی نمی‌تواند آن را تکان بدهد. جاناک این صحنه را می‌بیند و تصمیم می‌گیرد دخترش را به کسی بدهد که آن قدر قوی باشد که بتواند آن ظرف سنگین را بلند کند. شاهزاده‌ها از سراسر سرزمین هند، به سویام وار فراخوانده می‌شوند، اما تنها شاهزاده «رام» از آیودھیا (Ayodhya) می‌تواند ظرف را بلند کند و سیتا را به همسری بگیرد.

روایت‌های زیادی از انواع دیگر ازدواج وجود دارد؛ از جمله ازدواج «گاندھاروا» (gandhara) که بر عشق استوار است. در این گونه افسانه‌ها، دختر جوان، همسرش را بدون مشورت با کسی، از جمله پدرش انتخاب می‌کند. برای نمونه، در افسانه «شاکانتالا»، قهرمان زن، شاهزاده «دوش یانت» (Dushyant) خوش سیما را ملاقات می‌کند. او در جنگل، در نزدیکی اشرام، محل عبادت

آن‌ها اجازه داشتند همراه دختران دیگر، از معابد و بازار مکاره دیدن کنند.

این گونه آزادی‌ها، به زنان فرصت دیدن مردان جوان را می‌داد و بعدها در انتخاب همسر به آن‌ها کمک می‌کرد. آداب عروسی در ادبیات شفاهی هندوستان، موضوع مهمی است؛ همان طور که در کلیله و دمنه، در قصه «موش عروس» هم آمده است. در این قصه، مردی دانا موشی پیدا می‌کند. آن را به دختر بچه‌ای تبدیل می‌کند و برای زنش که بچه‌دار نمی‌شد، می‌برد. دختر بزرگ می‌شود و به سن ازدواج می‌رسد. پدر دنبال داماد مناسبی برای او می‌گردد. او ابتدا خورشید را دعوت می‌کند.

خورشید قویترین خواستگار است، اما دختر خورشید را رد می‌کند و شخص قوی‌تری را آرزو می‌کند.

دختر، ابر چرخنده را به سبب غمگین بودنش، نمی‌پذیرد و «باد» را به سبب بی‌ثباتی‌اش و «کوه» را به دلیل تنبلی و بی‌حرکتی‌اش قبول نمی‌کند. سرانجام، مرد دانا موش را دعوت می‌کند و دختر او را می‌پذیرد؛ چون موش می‌تواند کوه را سوراخ کند. مرد فرزانه، دخترش را دوباره به موش تبدیل می‌کند تا بتواند با خواستگار دلخواهش ازدواج کند.

در مجموعه «سویاموار» (Swayamvar)، قصه‌های فراوانی، آداب رسمی انتخاب همسر را روایت می‌کنند. در این قصه‌ها، عروس که معمولاً یک شاهدخت است، همسرش را از میان شاهزاده‌های مناسبی که پدرش فراخوانده، انتخاب می‌کند. گاه شاهدخت، همسرش را از میان شاهزاده‌ها برمی‌گزیند، اما همسر او اغلب با پاسخ دادن به سوالی که شاهدخت می‌پرسد، انتخاب می‌شود. این پرسش و پاسخ، نوعی مبارزه است که معمولاً زیبایی، قدرت، مهارت و

شخصیت شاهزاده را نشان می‌دهد. سویاموار، روایت‌های شگفت‌انگیزی درباره «سیتا»، قهرمان زیبایی حکایت می‌کند. سیتا، دختر جاناک شاه (King Janak) است. سیتا وقتی کوچک بود، ظرف سنگینی را بلند می‌کند؛

در هند باستان، زنان اشراف و ثروتمند می‌توانستند آموزش ببینند. بسیاری از سروده‌های مذهبی در «ریگ ودا» (Rigveda)، در سال‌های بین ۹۰۰-۱۵۰۰ قبل از میلاد، نوشته این زنان هنرمند است.

هندیان، به شکار مشغول است؛ همان جایی که دختر با پدرخوانده‌اش، کانای فرزانه زندگی می‌کند. آن دو عاشق یکدیگر می‌شوند و عروسی می‌کنند. شاکانتالا پسری به دنیا می‌آورد نامش را بهارات (Bharat) می‌گذارند. او بعدها پادشاه «بهارات وارشا» (Bharat Varsha) می‌شود که اسم قدیم سرزمین هندوستان است.

در هند باستان، زنان اشراف و ثروتمند می‌توانستند آموزش ببینند. بسیاری از سروده‌های مذهبی در «ریگ ودا» (Rigveda)، در سال‌های بین ۹۰۰-۱۵۰۰ قبل از میلاد، نوشته این زنان هنرمند است. ریگ ودا، از کهن‌ترین متون مذهبی دنیاست که هنوز هم مقدس شمرده می‌شود.

چشم اندازهایی از زندگی زنان هنرمند

در افسانه «ویدیوت تاما» (Vidyottama)، دختری زیبا و تحصیل کرده نشان داده می‌شود. هنگامی که ویدیوت تاما به سن ازدواج می‌رسد، پدرش از مردان جوان فرزانه، برای دیدار دخترش دعوت می‌کند. ویدیوت تاما در حضور دیگران، با آن‌ها مصاحبه و همه آن‌ها را رد می‌کند. مردان شکست خورده فکر می‌کنند که از شاهدخت برتر هستند و غرورشان جریحه‌دار می‌شود و علیه او توطئه می‌کنند. آن‌ها هیزم‌شکن احمقی را در حال بریدن شاخه‌ای که روی آن نشسته، پیدا می‌کنند. او را نزد شاهدخت می‌آورند و به شاهدخت می‌گویند، او روزه سکوت گرفته است و فقط به زبان اشاره حرف می‌زند.

شاهدخت سؤال‌هایش را مطرح می‌کند و مرد



احمق با اشاره پاسخ می‌دهد. توطئه‌گران پاسخ‌های بی‌ربط هیزم شکن را نمی‌فهمند، اما اشاره‌های او، ویدیوت تاما را قانع می‌کند. او به ازدواج با هیزم‌شکن احمق تن می‌دهد و بعد از مدتی می‌فهمد که فریب خورده است. او آن قدر از شوهرش بیزار می‌شود که شبی او را از خانه بیرون می‌اندازد، شوهرش شوکه می‌شود. او پیش از بازگشت نزد همسرش، سال‌ها در جست و جوی علم و دانش، در محضر مردی فرزانه روزگار می‌گذراند.

همسر دانش آموخته ویدیوت تاما، کسی نیست جز «کالیداس» (Kalidas) نمایش‌نامه‌نویس و شاعر مشهور. شاهکار او «آبهیگیان شاکونتالام» (Abhig yanshakantalam) است که به شاکانتالا شهرت دارد؛ نمونه‌ای عالی از درام سانسکریت.

در سرزمین هندوستان، پیوند محکمی بین قصه‌گویان قدیمی و جشن‌های اجتماعی وجود دارد.

در هند شمالی، در مراسم «راک شباندهام» (Rak Shabandham)، پیوند ویژه خواهر و برادر را ارج می‌نهند. در این جشن، خواهر ریسمانی سمبلیک را که به آن «راک هی» (Rakhi) می‌گویند، به مچ برادرش می‌بندد و نشانی قرمز روی پیشانی او می‌گذارد که به آن، «بهی دویج» (Bhai Dwij) می‌گویند. این آداب، نماد تعهد محکم و جدی خواهران و برادران نسبت به یکدیگر است. برادران قول می‌دهند که خواهران را در سختی و رنج، کمک کنند و خواهران، برای سلامتی برادران‌شان دعا می‌کنند. در طول این جشن‌ها که هنوز در هندوستان برگزار می‌شود، قصه‌هایی درباره قداست این پیوند، برای دخترها و پسرها نقل می‌شود. دو نمونه از آن قصه‌ها، «درخت مانگو» و «خواهر وفادار» است. این قصه‌ها در فصل‌های باشکوه اثر مدهور جافری (Jaffery Madhur)، چاپ نیویورک سال ۱۹۸۵، آمده است. در این قصه‌ها خواهران، برادران را از شر دور نگه می‌دارند و از مرگ حتمی نجات می‌دهند.

ادبیات دوره استعماری

در قرون وسطا، جایگاه نسبتاً بالای زنان هند باستان از بین رفت و آزادی تحصیلی، اقتصادی و اجتماعی آن‌ها کم کم گرفته شد. اما در قرن نوزدهم و پس از ارتباط با کشورهای اروپایی، به ویژه انگلستان، بار دیگر به حقوق زنان توجه شد. اصلاح‌طلبانی چون «رام موهان روی» (Ram Mohan Roy)، «ویوکانند» (Vivekanand)،

«دایان سارواتی» (Dayan Sarawati)، «راما

کریشنا» (Ramakrishna)، «گوپال کریشنا

گوخال» (Krishna Gopal Gokhal)،

«راما بای راناد» (Ramabai Ranade)

و بعدا مهاتما گاندی (Mahatma Gandhi)،

خواستار قوانینی از دولت بریتانیا شدند که

موقعیت زنان را در جامعه بهبود بخشد.

ارتباط با غرب و گسترش زبان انگلیسی،

باعث شد که به «مفهوم کودکی»، به طور

جدی توجه شود و همین انگیزه رشد و

گسترش ادبیات کودکان شد. تولید

کتاب‌های ویژه کودکان، تحول

چشمگیری بود که موسسه کتابهای

مدرسه کلکته (Calcutta)، در سال

۱۸۱۷ آغازگر آن بود. پس از آن،

کتاب‌های مشهور کودکان، از

زبان‌های دیگر به زبان هندی

برگردانده شد.

برای نمونه «میشل مادهاس دان

دوتا» (Michael Madhusudan Dutta)، داستان «پری دریایی کوچولو»، از هانس کریستیان آندرسن را به زبان بنگالی و با نام (Narir upak Lgan Matsya) ترجمه کرد.

انتشار «دیگدارشان» (Digdarshan)، مجله بنگالی زبان کودکان، در سال ۱۸۱۸، سرآغاز انتشار مجله‌های دیگر به زبان‌های مختلف هندی شد. از جمله «بال بودمی وای» (Bal Bodh mewa)، «بال جی وان» (Baljivan)، در «ماراتی» (Marathi)، و «وی دی آرتی» (Vidyarthi) و «شی شو» (shishu) و «بال ساک‌ها» (Balsakha) در هند. این مجله‌ها نوشته‌های جدیدی برای کودکان منتشر می‌کردند. در میان آن‌ها چند اثر بی‌نظیر درباره زندگی و مسائل دختران و زنان هم دیده می‌شد. از جمله: «کابلی والا» (Kabuliwala) از رابیندرانات تاگور در سال ۸۶ - ۱۸۸۵، «پاری نتا» (Parineeta) از «سارات چاند» (Sarat chand) در سال ۱۹۱۴، «کی ران ملا» (Kiranmala) در مجموعه «تاکورجولی»

(Tha - kurmarjhuli) از «داک شی نامیترا ماجوموار» (majumvar Dakshina mitra) در سال ۱۹۰۷.

با این حال، کتاب‌های کودکان، هنوز سمت و سوی آموزشی و مدرسه‌ای داشتند. ناشران، تولیدات‌شان را به کتاب‌های مدرسه‌ای و کمک درسی محدود کرده بودند. هر چند پدیدآورندگان کتاب‌های کودکان، می‌دانستند که بچه‌ها برای گذراندن اوقات فراغت‌شان، به خواندن‌ها و سرگرمی‌های لذت بخش نیاز دارند، نویسندگان و ناشران هندی، هم چنان تحت تاثیر سنت‌ها بودند. حتی زنان تحت تاثیر سنت‌ها، داستان‌هایی با گرایش مردسالارانه می‌نوشتند! در اشعار کودکانه، داستان‌های کوتاه، فولکلورهای بازنویسی شده، دخترها هم حضور داشتند، اما به عنوان جنس ضعیف‌تر.

از دختر انتظار می‌رفت غذا و سایر نیازهای برادران و شوهر خود را تامین کند: حتی به قیمت نادیده گرفتن خودش و نیازهای اساسی و آسایش خود این گونه قربانی شدن دختر، پارسایی به حساب می‌آمد. فضای اجتماعی، موجب می‌شد تا در شعرها و داستان‌های تاریخی و بیوگرافی‌ها، از کارهای حماسی، این‌ها و قربانی شدن زنان تجلیل شود. اکنون هر کودک هندی، با رشادت ملکه

«لاک شمی بای» ملکه «پادمینی» و «پانای» خدمتکار آشناست. «لاک شمی بای»، ملکه ژانسی (Jhansi) است. وقتی دولت بریتانیا اعلام می‌کند که جانیشینی پسرش غیر قانونی است، لاک شمی،

با دولت بریتانیا در هندوستان مبارزه می‌کند شعر هندی

«کاهان»، درباره ملکه ژانسی. در بسیاری از

مجموعه‌های درسی آمده است. کاهان از

دلیری ملکه جوان سخن می‌گوید. ملکه سوار

بر اسب، شمشیر در دست، در حالی که پسرش

را به کمر بسته، گروهی را در جنگ علیه

نیروهای انگلیسی فرماندهی می‌کند. امروز

آهنگ رزمی شعر و کلمات گیرای آن، بین

بچه‌های هند بسیار محبوب و متداول است. در

ادبیات هند باستان، قربانی شدن، عملی مهم و

شجاعانه محسوب می‌شود. افسانه ملکه

پادمینی نیز سوژه بسیاری از آوازاها و

داستان‌هاست؛ به خصوص در اسطوره

هندی «جاوهر»، نوشته «اس. ان

پاندی» (S. N. Pandy). افسانه بر

اپیزودی تاریخی استوار است. شاه

مسلمان، علاءالدین خیل جی

(Khilji)، به ملکه زیبای «راج پوت»

(Rajput) دل می‌بندد. پادمینی برای



برابری دختران و پسران، برای نویسندگان کتاب‌های کودکان ترتیب می‌دهند که حاصل آن، انتشار ۱۲ کتاب برای گروه‌های سنی مختلف است؛ مانند «درخت مانگوی»، اثر بابلو (Bablu). سازمان ملی کتاب، ۱۹۸۷. تارا در شیکارا، اثر سیگ ران سری وانس تاوا. سازمان ملی کتاب، ۱۹۸۷. پرورنده درخت (Grower Tree)، از مانورانا، جانا (Manoranajafa). چاپ دهلی نو. رات ناساگار (Ratnasagar). سال ۱۹۸۹.

گفتنی است که بسیاری از این کتاب‌ها، داستان‌های خواهران و برادران است. این داستان‌ها نشان می‌دهند اگر به دخترها فرصت داده شود، می‌توانند از پس همان کارهایی که پسران انجام می‌دهند، برآیند؛ می‌توانند بازی کنند، از درخت بالا بروند، معما حل کنند و رهبر شوند.

این کتاب‌ها تصاویر کلیشه‌ای دختران و نقش‌های کهنه و منحصرآ خانوادگی آن‌ها را می‌شکنند.

در ادبیات شفاهی هندوستان، تصاویر زنان، موقعیت‌های متفاوت و گاه متضاد آن‌ها را در جامعه نشان می‌دهد.

در قرن نوزدهم، بیوگرافی زنان مبارز که در جامعه الگوی مثبتی بود، سوژه ادبیات کودکان شد. زندگی‌نامه‌هایی درباره «کاستورباگانندی» (Kasturba Gandhi)، «وی جی لاکسمی پاندیت»، (Vigaylaxmipandit) «ساروجینی نادای»، (Sarojininaidy) «کاملا نهرو» (Kamla Nehru)، «مادر ترزا» و «ایندیرا گاندی» نوشته شد.

داستان ایندیرا گاندی، تغییر موقعیت زنان را در هند مدرن نمایش می‌دهد. ایندیرای جوان، نقش موثری در مبارزه برای آزادی بر عهده می‌گیرد. سپس عاشق می‌شود و با «فروز گاندی» ازدواج می‌کند پس از ازدواج، به پدرش جواهر لعل نهرو، نخست وزیر هندوستان، کمک می‌کند. بعدها ایندیرا گاندی، رهبر سیاسی فعال و موفق می‌شود و در مقام نخست وزیر، هفده سال خدمت می‌کند. یاد ایندیرا گاندی، به خاطر خدمات خستگی ناپذیرش به کشور، به خاطر مدیریت آشوب‌های قومی در هند و برای رهبری‌اش در طول جنگ استقلال طلبانه بنگلادش، زنده و گرامی نگه داشته می‌شود. تصاویر زنان و دختران در کتاب‌های معاصر کودکان در هند، همانند جایگاه آنان در جامعه، تضاد سنت و مدرنیسم را باز می‌تاباند. در حالی که در کتاب‌های انگلیسی زبان تصاویر دختران، امروزی و مدرن است، کتاب‌های دیگر زبان‌های هندی، هم چنان زنان را در نقش‌های سنتی، کهنه و وابسته نشان می‌دهند. شاید به این دلیل که نویسندگان انگلیسی، بیشتر از نویسندگان زبان‌های دیگر هندی، تحت تاثیر غرب و فرهنگ آن قرار گرفته‌اند. هم چنین، بچه‌هایی که کتاب‌های انگلیسی مطالعه می‌کنند، به خانواده‌هایی تحصیل کرده و شهری تعلق دارند و کم‌تر سنتی هستند.

در کتاب‌های انگلیسی زبان و در کتاب‌هایی که به زبان هندی ترجمه شده‌اند، دخترها و زنان نقش برجسته‌ای دارند. پیام این کتاب‌ها این است که دختری از عهده کارهایی که بخواهند، بر می‌آیند، آنها می‌توانند مدرسه بروند، دانش و مهارت کسب کنند و متخصص بشوند و برای به دست آوردن امتیازها و انجام کارهایی که در گذشته فقط منحصر به مردان بود، رقابت کنند.

منبع:

- Book Bird Spring 1996.

حفظ پاکدامنی، خود را به خرمی از آتش می‌اندازد. او آتش را بر تجاوز و رسوایی ترجیح می‌دهد. نمونه مشابه دیگر وفاداری و قربانی شدن قهرمان، در داستان «پانا» پرستار شاهزاده «می‌وار» (Mewar) دیده می‌شود. شبی که پانا می‌فهمد شاه کشور دشمن می‌خواهد شاهزاده را بکشد، لباس‌های شاهزاده را با لباس‌های پسرش عوض می‌کند. پانا پسرش را در رختخواب شاهزاده می‌خواباند. شاه دشمن، پسر پانا را در برابر چشم‌های او به قتل می‌رساند، اما پانا به خاطر نجات شاهزاده، خرسند است.

ادبیات مدرن کودکان

دوران استعمار، در سال ۱۹۴۷، در هند پایان می‌گیرد. همزمان قانون اساسی هند، برابری حقوق زنان را به رسمیت می‌شناسد. دولت جواهر لعل نهرو، قانون‌های مختلفی برای تضمین حقوق قانونی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زنان تصویب می‌کند، اما چند سال به درازا می‌کشد تا اثر آن در حوزه ادبیات به ظهور برسد. سازمان کتاب کودکان (CBI)، در سال ۱۹۵۷، در دهلی نو تاسیس می‌شود. این سازمان، آغازگر ادبیات مدرن کودکان هند می‌شود. این موسسه خصوصی، توسط شانکار (Shankar) پایه‌ریزی می‌شود. سازمان کتاب کودکان، به سرعت در نشر کتاب‌های کودکان پیشگام می‌شود. سپس سازمان ملی کتاب، سازمان انتشارات، خانه کتاب هند، کم کانت (kem kunt)، «رات ناساگار» (Ratnasagar)، «وی کاس» (Vikas) و دیگران به نشر کتاب‌های کودکان، به ویژه کتاب‌های انگلیسی زبان می‌پردازند.

کتاب «سوجاتا و فیل وحشی»، اثر شانکار (نشر سازمان کتاب کودکان در سال ۱۹۶۵)، از اولین کتاب‌هایی است که شخصیت اصلی آن یک دختر است. سوجاتا، دختری روستایی است. او هنگام جمع آوری هیزم در جنگل، با یک فیل وحشی دوست می‌شود. بعدها وقتی فیل وارد روستا می‌شود و خرابی به بار می‌آورد، سوجاتا به فیل نزدیک می‌شود و آرامش می‌کند. سوجاتا موفق می‌شود فیل را به جنگل برگرداند.

مارگارت، (margaret)، در شوب هانا (Shobhana)، برابری حقوق زنان را با به تصویر کشیدن دختران و پسران در موقعیت برابر، نشان می‌دهد. از جمله آثار او، به کتاب تصویری کودکان نشر سازمان کتاب کودکان، سال ۱۹۶۸ می‌توان اشاره کرد.

با موفقیت این گونه آثار، کتاب‌های زیادی انتشار می‌یابد که در آن‌ها دختری محور اصلی هستند. این کتاب‌ها به روشنی، موقعیت اجتماعی زنان را بازمی‌تاباند. علاوه بر این، در سال بین‌المللی زنان، (۱۹۷۵)، سال دختر بچه‌ها سال (۱۹۹۰) سال بین‌المللی دختر بچه‌ها (۱۹۹۱) و دهه دختران (۱۹۱۰-۲۰۰۰)، با به رسمیت شناخته شدن حقوق زنان و دختران در سطح بین‌المللی، آگاهی جامعه هم از موقعیت جدید آن‌ها افزایش می‌یابد. تحت تاثیر این وقایع، نویسندگان و ناشران، می‌کوشند کتاب‌هایی تولید کنند که دختران و زنان را کانون توجه قرار دهند. «مدرسه من»، اثر سیگران سری واس تاوا (Sigrunsvastava). سازمان کتاب کودکان، ۱۹۸۰. درباره زندگی یک دختر و خانم معلمش در مدرسه‌ای است که دخترها و پسرها با هم بازی می‌کنند و درس می‌خوانند. کتاب جواهرات گاندی‌پور، از «نی‌لی ماسین‌ها» (Nilimasinha). سازمان کتاب کودکان، ۱۹۸۰. ماجرای دختر بچه‌ای به نام مونیاست. او بچه‌ها را در پیدا کردن گنج رهبری می‌کند. خانم راننده اتوبوس، اثر «والی کانان» (Vallikanan). سازمان ملی کتاب، دهلی نو، ۱۹۸۲. و کتاب «دیدار از بازار شهر»، اثر ام. پادماناب هان (M. Padmanubhan). سازمان ملی کتاب، ۱۹۶۰. تجربه دختری را در اتوبوس سواری و دیدن بازار روایت می‌کند. کتاب «کرتی‌سی‌نا» (Kirtisena)، اثر شانکار. سازمان ملی کتاب، ۱۹۸۲. داستان زن جوانی است که به بدرفتاری مادرشوهرش اعتراض می‌کند.

سازمان کتاب کودکان و یونیسف، در سال ۱۹۸۵، مسابقه‌ای با موضوع